باترانه

حسین غیاثی

بی سر و سامان تو شد شانه سرخورده من
رنگ بزن بر لب این، خنده دل مرده من
ساکت تنهایی من، حرف بزن با شب من
شور تماشایی من، شعر بخوان با لب من
بغض منی آه منی حسرت دلخواه منی
دوری و دلتنگ توام زخمی و همراه منی
من غم پنهان توام حال پریشان توام
پلک بزن تا بپرم مستی چشمان توام

جان من و جهان من فقط تو هستی
قرار بی زمان من فقط تو هستی
شروع ناگهان من فقط تو هستی
دلیل گریه منی عذاب من نه
پر از شنیدن منی جواب من نه
توروی دیگر منی نقاب من نه

نیست در اقلیم کسی، این همه بی هم‌نفسی
بی همگان منتظرم تا تو به دادم برسی
عصر غم‌انگیز توام حوصله کن ابر مرا
عاشق یک‌ریز توام معجزه کن صبر مرا
بند زده پای مرا گیسوی زنجیری تو
می کشدم می کشدم لحظه دلگیری تو

جان من و جهان من فقط تو هستی
قرار بی‌زمان من فقط تو هستی
شروع ناگهان من فقط تو هستی
دلیل گریه منی عذاب من نه
پر از شنیدن منی جواب من نه
توروی دیگر منی نقاب من نه

امیر علی سلیمانی

یه عمره توروی‌ای من چشمای تو بازیگره
دنیامو جادو می کنه چشمایی که افسونگره
روزامو خلوت می کنم رویای تو یادم نره

دیشب دوباره دیدمت این بهترین دیدار بود
بعد از تماشا کردنت هر عکسی دیدم تار بود
چشمای تو دریاچه و موهات گندم‌زار بود

وقتی تو دنیای منی مهمون رویای منی
تو آسمون خورشید نیست
تعبیر بیداری من چیزی به غیر از خواب نیست
تو آسمون مهتاب نیست
مهمون شب‌های منی محتاج دنیا نیستم
تو فکر موج موی تو دلتنگ دریا نیستم
من بی تو تنها هستم و من بی تو تنها نیستم
روز منو از شب بپرس شاید منو باور کنی
آتیش احساس منو فرتی که خاکستر کنی
موندی تو شب‌هام تا منو هر روز تنهاتر کنی

وقتی تو دنیای منی مهمون رویای منی
تو آسمون خورشید نیست
تعبیر بیداری من چیزی به غیر از خواب نیست
تو آسمون مهتاب نیست

از خاکستر «اعتیاد» تا بلندای «نویسندگی»

گفت‌وگوی خراسان با خسرو باباخانی، نویسنده اثر مشهور «ویولن‌زن روی پل» که پس از ۳ دهه مصرف مواد مخدر، تصمیم به ترک می‌گیرد و اکنون کتابش به چاپ سی‌ام رسیده است. او از لوازم نوآوری در ادبیات داستانی و دستاوردهای مستندنگاری می‌گوید

محمد بهبودی نیا
calture@khorasannews.com

«آن روز، سراغ جاساز که رفتم دیدم پانزده، شانزده گرم بیشتر ندارم. این یعنی فاجعه، آن هم در ایام تعطیل پیش رو. جیره‌ام را خوردم؛ چای خوردم؛ سیگار کشیدم؛ ناهار خوردم. موقع سیگار کشیدن فکری شدم. باید هر جوری بود صد، صدوپنجاه گرم مواد خوب تهیه می‌کردم؛ اما از کجا؟ از که؟ بدبختی این جا بود که من اصولاً آدم بی دست‌وپایی هستم، دست‌وپا چلفتی. سی سال عمل داشتم و توی شهر به این بزرگی با داشتن لااقل پنجاه ساقی، فقط دو ساقی می‌شناختم؛ یکی در جنوبی‌ترین نقطه تهران، یعنی اسلام‌شهر، یکی هم در شرقی‌ترین نقطه یعنی طرف‌های گلبرگ. خانه ما کجا؟ سلسبیل...»

این سطرها بخشی از کتاب «ویولن‌زن روی پل» نوشته خسرو باباخانی است. نویسنده‌ای که بعد از سه دهه مصرف مواد مخدر و تجربه عینی زندگی افراد درگیر با اعتیاد، بالاخره موفق به ترک مصرف مواد مخدر می‌شود و سال ۱۳۹۹ نوشتن کتاب «ویولن‌زن روی پل» را شروع می‌کند.

کتابی که لحظه‌به‌لحظه زندگی یک مصرف‌کننده مواد مخدر را بی‌هیچ حذف و اضافه‌ای به تصویر می‌کشد. کتاب او پس از انتشار سروصدای زیادی میان مخاطبان به‌پا می‌کند و به موفقیت‌های چشمگیری می‌رسد؛ به‌طوری که امروز شاهد چاپ سی‌ام آن هستیم.

خسرو باباخانی، نویسنده کتاب «ویولن‌زن روی پل»، از ابتدای دهه ۶۰ نوشتن را با مجله «کیهان بچه‌ها» شروع کرده و تا امروز به‌جز کتاب ویولن‌زن روی پل، کتاب‌های دیگری از جمله «دست‌های مادرم»، «برفراز گندمزار»، «گنج قلعه متروک» را نیز نوشته است. یکی از ویژگی‌های بارز آثار این نویسنده، پرداختن به اتفاقاتی است که خودش به‌صورت مستقیم تجربه کرده است.

همین ویژگی، حساب کار او را از بسیاری از نویسندگان پشت میز نشین جدا کرده است. خلق داستان و رمان بر اساس تجربیات فردی، همواره مورد توجه نویسندگان فراوانی در سراسر جهان بوده است. با خسرو باباخانی درباره هنر مستندنگاری، وضعیت ادبیات داستانی امروز و چند موضوع دیگر که توجه به آن‌ها لازمه خلق یک اثر خواندنی است، گفت‌وگو کرده‌ایم.

■ ایده کتاب «ویولن‌زن روی پل» چگونه به ذهن شما رسید؟

من سه دهه درگیر اعتیاد بودم و راه‌های زیادی را برای درمان رفتم ولی همه آن‌ها به بن‌بست می‌خورد تا این که سال ۱۳۹۰ بعد از آشنایی با یک موسسه، بالاخره درمان شدم. در طول تمام سال‌هایی که درگیر اعتیاد بودم، به نوشتن مشغول بودم. بعد از ترک اعتیاد، باهدف کمک به افرادی که درگیر این مشکل بودند، آستین بالا زدم. ابتدا با این افراد رودررو صحبت می‌کردم و برای هرکدام از آن‌ها زمان می‌گذاشتم؛ اما بعد از مدتی به این نتیجه رسیدم که با این نوع فعالیت‌ها نمی‌توانم به تعداد زیادی از آن‌ها کمک کنم. این‌جا بود که به فکر نوشتن داستان «ویولن‌زن روی پل» افتادم؛ کتابی که سرتاسر خاطرات دوران درگیری من با اعتیاد است. بعد از مدتی این موضوع را با مهدی قزلی از نویسنده‌های شناخته‌شده کشور که آن زمان در انتشارات «جام جم» مشغول به کار بود، در میان گذاشتم. مهدی، نقش مؤثری در انتشار این کتاب داشت. خوشبختانه این کتاب بعد از انتشار با استقبال زیادی روبه‌رو شد و امروز به چاپ سی‌ام رسیده است.

■ آیا همه کتاب‌های شما با تکیه بر مستندنگاری و تجربیات شخصی خودتان در زندگی نوشته شده است؟

بله بیشتر کتاب‌هایی که من نوشته‌ام، بر اساس اتفاقاتی است که در زندگی‌ام رخ داده است و آن‌ها را با گوشت و پوست و استخوانم لمس کرده‌ام. به‌عنوان مثال، من در کودکی فکر می‌کردم، پدرم قوی‌ترین مرد جهان است؛ اما بعدها متوجه شدم که پدر من هم یک مرد معمولی است مثل همه مردهای دیگر و همین موضوع را در قالب داستانی برای کودکان و نوجوانان نوشتم.

■ دلیل استقبال فراوان مخاطبان از آثارتان را در چه می‌دانید؟

یکی از اصول داستان موفق، باورپذیر بودن آن است. من تا امروز داستان‌هایی را نوشته‌ام که خودم تمام لحظه‌هایش را زندگی کرده‌ام. یادم نمی‌آید تا امروز چیزی را نوشته باشم که حداقل یک‌بار در آن فضا نفس نکشیده‌ام و به همین دلیل این داستان‌ها برای مخاطبان باورپذیرتر است. دوری از تکلف در نوشتن، یکی دیگر از دلایل خلق اثری موفق است. به نظر من، نویسنده اگر همان‌طور که حرف می‌زند، داستان‌هایش را بنویسد ارتباط خوبی با مخاطب می‌گیرد. متأسفانه بعضی از ما بانثری داستان می‌نویسیم که نه خودمان می‌فهمیم و نه مخاطب.

■ شما در نام‌گذاری کتاب‌هایتان بسیار خوش‌سلیقه‌اید. اگر امکان دارد داستان انتخاب نام «ویولن‌زن روی پل» را برایمان تعریف کنید.

در روزگار ما انتخاب نام‌های سطحی و پیش‌پاافتاده برای کتاب‌ها یکی از آسیب‌های حوزه ادبیات به شمار می‌آید. بعضی وقت‌ها زمانی که نام کتاب را می‌خوانم، به این احساس می‌رسم که نویسنده آن کتاب، مدتی طولانی تمام توانش را برای نوشتن کتاب گذاشته و زمانی که نهایت خستگی بر او غلبه کرده، به سراغ نام‌گذاری کتاب رفته است. در حالی که اولین مواجهه خواننده با نام کتاب و طرح جلد آن است. متأسفانه در کشور ما به این موضوع دقت نمی‌شود؛ اما درباره چگونگی انتخاب نام برای کتاب ویولن‌زن، باید بگویم انتخاب این نام، خودش داستان جالبی دارد. برای انتخاب نام این کتاب، ابتدا نام‌های مختلفی را یادداشت کردم؛ نام‌هایی از جمله رگ به رگ، سرنگ و خون و... تا جایی که تعداد آن‌ها به بیش از ۳۰ نام رسید؛ اما هیچ‌کدام به دلم نمی‌نشست چون این نام‌ها مستقیم به محتوا اشاره می‌کرد. درگیر و دار همین فکرها بودم که روی یکی از پل‌های تهران به یک ویولن‌زن که درگیر اعتیاد بود، برخوردم. او بی‌نهایت موسیقی را خوب می‌نواخت. به‌محض شنیدن صدای موسیقی همان‌جا میخکوب شدم. هنوز چند لحظه نگذشته بود که نام «ویولن‌زن روی پل» به ذهنم رسید و با خودم گفتم همین نام را روی کتابم می‌گذارم.

■ اکنون چه اثری در دست نوشتن دارید؟

من همیشه به دنبال سوژه‌های عمیق بوده‌ام و به همین دلیل نویسنده گزیده‌کاری هستم. ابتدا قصه را کامل در ذهنم پرورش می‌دهم؛ حتی اگر پرورش دادن این داستان سال‌ها طول بکشد. هر روز با این قصه زندگی می‌کنم و دیالوگ‌هایش را در ذهنم می‌نویسم. بعد از تکمیل شدن همه بافت داستان و دیالوگ‌ها شروع به نوشتن می‌کنم و معمولاً در طول یک یا دو ماه، یک نفس داستان را می‌نویسم. الآن هم در ذهنم روی یک رمان کار می‌کنم که خودم هم نمی‌دانم چه زمانی می‌نشینم و نوشتنش را شروع می‌کنم.

■ وضعیت امروز ادبیات داستانی را چطور می‌بینید؟

با تبدیل شدن بعضی نویسنده‌ها به ماشین تولید داستان، سطح آثار به‌شدت پایین آمده است. داستان مرغوب، امروز در بازار بسیار کم شده است. در این روزگار، کتاب، اگر کتاب خوبی باشد، موجودیت خودش را فریاد می‌زند و نیازی به تبلیغ ندارد. شاید یکی از علت‌های پرکاری برخی نویسندگان این باشد که دخل‌وخرج زندگی هنرمندان با گزیده‌کاری جور درنمی‌آید و درنتیجه مجبورند با زیاده‌نویسی درآمد بیشتری کسب کنند. امیدوارم به‌روزی برسیم که شمارگان کتاب‌ها آن‌قدر زیاد شود که نویسنده مجبور نباشد با پرکاری، درآمدش را بالا ببرد. اکنون شمارگان هر کتاب، حدود ۳۰۰ جلد است و این موضوع ناامیدکننده است.

■ وسخن پایانی؟

من با صدای بلند از هنرمندان و مسئولان امور هنری در استان خراسان تشکر می‌کنم زیرا کتاب‌های من در این استان و به‌ویژه در شهر مشهد با بیشترین استقبال روبه‌رو شده، در حالی که در تهران برای این کتاب، اتفاق ویژه‌ای نیفتاده است. این حجم از استقبال از کتاب‌های من در خراسان نشان‌دهنده این واقعیت است که انسان‌های فرهیخته زیادی در این استان و تعداد زیادی از شهرستان‌های کشورما، همچنان دل به خواندن رمان بسته‌اند و هنوز می‌توان به نوشتن امیدوار بود.

ادبی

رونمایی از ۲ تقریظ رهبر انقلاب بر کتاب‌های شهید مدافع حرم

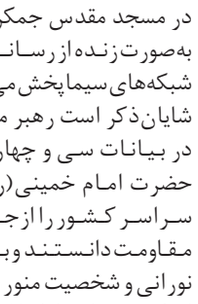

«پانزدهمین پاسداشت ادبیات جهاد و مقاومت» همراه با انتشار تقریظ‌های حضرت آیت‌ا... خامنه‌ای بر کتاب‌های «اسم تو مصطفاست» و «سرباز روز نهم» در اولین رویداد ملی تکریم فعالان مساجد سراسر کشور با عنوان «مثل مصطفی» توسط مؤسسه پژوهشی-فرهنگی انقلاب اسلامی و سازمان بسیج مستضعفین برگزار می‌شود.

کتاب «سرباز روز نهم» روایتی از زندگی و زمانه شهید مصطفی صدرزاده در ۶۳۲ صفحه است که انتشارات راه یار منتشر کرده و «اسم تو مصطفاست» زندگی‌نامه داستانی این شهید مدافع حرم به روایت همسر شهید است که به قلم «راضیه تجار» نوشته و توسط انتشارات روایت فتح در ۲۷۲ صفحه منتشر شده است.

مراسم انتشار تقریظ رهبر انقلاب بر این دو کتاب که ۳۰ مردادماه همزمان با روز جهانی مسجد و اولین رویداد تکریم فعالان مساجد سراسر کشور در مسجد مقدس جمکران برگزار می‌شود، به‌صورت زنده از رسانه KHAMENEI.IR و شبکه‌های سیما پخش می‌شود.

شایان ذکر است رهبر معظم انقلاب اسلامی در بیانات سی و چهارمین سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی(ره)، مساجد و هیئات سراسر کشور را از جمله هزاران هسته مقاومت دانستند و برخاستن یک جوان نورانی و شخصیت منور مانند شهید صدرزاده از یک روستا در اطراف شهریار را امیدآفرین خواندند و فرمودند: «ما از این مصطفی‌های صدرزاده در تمام سرتاسر کشور بسیار داریم، هزاران داریم؛ این‌ها همه امیدبخش است.» پیش‌از این دفتر حفظ و نشر آثار رهبر معظم انقلاب اسلامی در برنامه‌های جداگانه‌ای از نویسندگان و راویان کتاب‌های جهاد و شهادت از جمله «نورالدین پسر ایران»، «پایی که جا ماند»، «لشکر خوبان»، «من زنده‌ام»، «آن بیست‌وسه نفر»، «وقتی مهتاب گم شد»، «گلستان یازدهم»، «دختر شینا»، «آب هرگز نمی‌میرد»، «فرنگیس»، «در کمین گل سرخ»، «مربع‌های قرمز»، «عصرهای کریسکان»، «تنها گریه کن»، «حوض خون»، «مهاجر سرزمین آفتاب» و «خاتون و قوماندان» تقدیر و یادداشت‌ها و تقریظ‌های رهبر انقلاب اسلامی بر این کتاب‌ها را منتشر کرده بود.

یادمان

مراسم یادبود برای کورش صفوی

مراسم یادبود کورش صفوی در دانشکده ادبیات دانشگاه علامه طباطبایی برگزار می‌شود.

به گزارش ایسنا، مراسم یادبود این استاد فقید دانشگاه، زبان‌شناس و مترجم روز دوشنبه، ۲۳ مردادماه از ساعت ۹ تا ۱۱ در سالن شهید عضدی دانشکده ادبیات فارسی و زبان‌های خارجی دانشگاه علامه طباطبایی به نشانی بزرگراه شهید چمران، پل مدیریت، خیابان علامه طباطبایی، برگزار می‌شود.

کورش صفوی، زبان‌شناس و مترجم که سال‌ها در دانشگاه علامه طباطبایی تدریس می‌کرد، زاده ۶ تیر ۱۳۳۵ در تهران بود که ۲۰ مردادماه از دنیا رفت.

از آثار او می‌توان به این کتاب‌ها اشاره کرد: «درآمدی بر زبان‌شناسی»، «واژه‌نامه زبان‌شناسی»، «نگاهی به پیشینه زبان فارسی»، «هفت گفتار درباره ترجمه»، «از زبان‌شناسی به ادبیات»، «گفتارهایی در زبان‌شناسی»، «درآمدی بر معنی‌شناسی»، «منطق در زبان‌شناسی»، «از زبان‌شناسی به ادبیات»، «معنی‌شناسی کاربردی»، «فرهنگ توصیفی معنی‌شناسی»، «نگاهی به ادبیات از دیدگاه زبان‌شناسی»، «زبان‌های دنیا: چهار مقاله در زبان‌شناسی»، «آشنایی با نظام‌های نوشتاری»، «آشنایی با

معنی‌شناسی»، «آشنایی با تاریخ زبان‌های ایران»، «آشنایی با تاریخ زبان‌شناسی»، «مبانی زبان‌شناسی. با همکاری احمد سمیعی، لطفا... یار محمدی»، «استعاره از نگاهی دیگر» و «سرگردان در فلسفه ادبیات» در حوزه تألیف و «سه رساله درباره حافظ»، «نگاهی تازه به معنی‌شناسی»، «تاریخ خط» ترجمه عباس مخبر و کورش صفوی، «روندهای بنیادین در دانش زبان»، «دوره زبان‌شناسی عمومی»، «زبان و ذهن»، «فن دستور»، «زبان‌شناسی و ادبیات»، «محفل فیلسوفان خاموش»، «فردینان دو سوسور»، «زبان و اندیشه»، «دنیای سوفی»، «دیوان غربی شرقی»، «بوطیقای ساختگرا» و «درآمدی بر معنی‌شناسی زبان» در حوزه ترجمه.

تار نوازی علی قمصری در سوگ دریاچه ارومیه

موسیقی

علی قمصری، نوازنده تار، ملودی آذربایجانی «سویله سویله» را در سوگ خشک شدن دریاچه ارومیه نواخت.

به گزارش ایرنا، علی قمصری نوازنده تار و آهنگ‌ساز در یک‌صد و هفتمین و جدیدترین پروژه «تار ایرانی» خود به ارومیه سفر کرد و ملودی آذربایجانی «سویله سویله» را در سوگ خشک شدن دریاچه ارومیه نواخت.

قمصری این اثر را به تمام آذری‌زبانانی که میزبان شایسته تار ایرانی بودند و اجازه دادند تا در غمشان شریک شود، تقدیم کرده است.

پیشتر و در سیزدهمین پروژه «تار ایرانی» نیز وی سفری به ارومیه داشت و در کنار دریاچه ارومیه اثری را از بیگجه‌خانی اجرا کرد.

قمصری درباره اجرای جدید خود در دریاچه ارومیه در صفحه شخصی‌اش در فضای مجازی نوشته است: «قلب دریاچه ارومیه، بزرگ‌ترین دریاچه ایران و بزرگ‌ترین دریاچه شور خاورمیانه خشک شد. قسمت تلخ سفرهای تار ایرانی این است که در یک برهه شکوه و طراوت نقطه‌ای از ایران را نشان می‌دهد و پس از یک سال باید مرگش را به سوگ بنشیند. در تار ایرانی ۱۳ در کنار آب دریاچه با شادی از بیگجه‌خانی نواختم و امروز

در تار ایرانی ۱۰۷، غم فقدان آب را به ملودی‌های آذربایجانی آمیختم. دلیل حضور دوباره‌ام در این موقعیت جغرافیایی این است که تار ایرانی از ایستگاه‌ها گذر نمی‌کند. حضور در هر شهر ایران مسئولیت و دغدغه‌ای تازه برای من می‌آفریند. به رسم ادب و احترام و برای همدردی با مردم ترجیح دادم دوباره در کنار دریاچه بنوازم. از ملودی‌هایی آشنا و غمگین که مردم این خطه با آن‌ها مانوس‌اند و گوش همه ایرانیان نیز با آن‌ها آشناست.

تمدید مهلت ارسال اثر به جایزه داستان تهران

هنری

با توجه به استقبال مطلوب متقاضیان شرکت در پنجمین دوره جایزه بین‌المللی داستان تهران، این جشنواره تا پایان شهریور تمدید شد. به گزارش خبرگزاری ایبنا، پنجمین دوره جایزه بین‌المللی داستان تهران با هدف هویت‌سازی و معرفی کلان شهر تهران به همت مرکز ارتباطات و امور بین‌الملل شهرداری تهران برگزار می‌شود. پذیرش آثار در سه بخش داستان کوتاه، ناداستان و روایت‌نویسی نوجوانان است و با توجه به تمدید مهلت ارسال، علاقه‌مندان می‌توانند آثار خود را حداکثر

تا تاریخ ۳۱ شهریور به دبیرخانه جایزه بین‌المللی داستان تهران ارسال کنند. مراسم اختتامیه و معرفی برندگان در هفته تهران (هفته دوم مهر) برگزار می‌شود.

صفحه‌آرایی
واحد صفحه‌آرایی روزنامه خراسان سفارش می‌پذیرد
layout@khorasannews.com ۰۵۱۳۷۰۰۹۳۹۰

برگ سبز خودرو کامیون بغلدار مسقف کاویان مدل ۸۹ قرمز روغنی به شماره انتظامی ۳۲ ایران ۷۱۲ ع ۴۶ شماره شاسی NAS۵K۱۰۶۳C۹S۵۵۴۳۸ و شماره موتور EQ۴BTAA۳۹۸۷۰۱۱۰۱۴ بنام **هاشم حافظی منش** مفقود و فاقد اعتبار می‌باشد. ۳۰۹۷۳

برگ سبز خودرو کامیون بغلدار مسقف کاویان مدل ۹۳ سورمه‌ای متالیک به شماره انتظامی ۴۲ ایران ۲۷۵ ع ۹۶ شماره شاسی NA۵K۱۰۶۳CEG۴۴۳۴۴۱ و شماره موتور EQB۱۲۵۲۰۷۸۰۳۰۳۷۷ بنام **غلامحسین حافظی منش** مفقود و فاقد اعتبار می‌باشد. ۳۰۹۵۲

برگ سبز کامیون کشنده بنز اکسور رنگ سفید آبی با نوار قرمز به شماره پلاک ۴۲-۱۲۵ ع ۸۶ به شماره موتور ۴۵۷۹۳۷۰۰۱۶۳۹۸۰ به شماره شاسی WDB۹۴۴۰۳۲۱۷۴۰۸۳۵۵ بنام **علیرضا مرتضوی نیا** مفقود و فاقد اعتبار است ۳۱۰۱۰

برگ سبز خودرو کامیون بغلدار فلزی مسقف چادری تیپ NY۷۲۱NA۲WKLA مدل ۲۰۱۷ سفید روغنی به شماره انتظامی ۳۶ ایران ۴۳۸ ع ۳۸ و ش شاسی LJ۱۱FBD۵HA۸۰۰۱۹۷۴ و ش موتور ISF۳AS۴۱۸۹۸۶۸۰۸۹ بنام **هاشم حافظی منش** مفقود و فاقد اعتبار می‌باشد. ۳۰۹۷۸

آگهی فقدان سند مالکیت

نظر به اینکه خانم زهرا واحدی فرزند محمد باستناد دوبرگ استشهادیه گواهی شده منظم به تقاضای کتبی جهت دریافت سندمالکیت المثنی نوبت اول به این اداره مراجعه کرده ومدعی است سندمالکیت ششدانگ زمین پلاک ۱۲۲۳۵ فرعی جداشده از ۶ اصلی واقع در بخش ۳ سبزوار که متعلق به وی میباشد بعلت نقل مکان مفقود شده است با بررسی دفتر املاک معلوم شدمالکیت فوق الذکر ذیل شماره دفتر الکترونیک ۱۴۰۱۲۰۳۰۶۰۱۱۰۰۵۶۴۵ و سند بشماره چاپی ۲۴۰۴۲۰ سری ب سال ۱۴۰۰ به نام نامبرده ثبت وسندصادر وتسلیم شده است ودفتر املاک بیش از این حکایتی ندارد.لذا باستنادماده ۱۲۰ آئینامه قانون ثبت مراتب یک نوبت آگهی ومتذکر می گردد هر کس نسبت به ملک مورد آگهی معامله‌ای انجام داده یامدعی وجود سندمالکیت نزد خود باشدبایستی ظرف مدت ده روز ازتاریخ انتشار این آگهی اعتراض کتبی خودرا به پیوست اصل سندمالکیت یاسندمعامله رسمی به این اداره تسلیم نماید.بدیهی است در صورت عدم وصول اعتراض در مهلت مقرر و یا وصول اعتراض بدون ارائه سندمالکیت یاسندمعامله رسمی نسبت به صدور سندمالکیت المثنی و تسلیم آن به متقاضی اقدام خواهد شد.

(م الف ۴۰۲/۱۶۵) تاریخ انتشار: ۱۴۰۲/۰۵/۲۳

علی آب باریکی – رئیس ثبت اسناد و املاک سبزوار ۳۱۰۳۷